

به نام خدا

# دیوان وحشی

کمال الدین وحشی بافقی کرمانی



انتشارات شقایق

وحشی بافقی، کمال الدین ۹۹۱-۹۹۳۹ ق  
دیوان وحشی بافقی -- تهران: شقایق، ۱۳۸۶.  
۵۱۹ ص.

ISBN: 964-7928-78-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر گردیده  
است.

شعر فارسی -- قرن ۱۰ ق.

۸ فا ۱/۴

۶۱۵۵ PIR

کتابخانه ملی ایران

م ۱۰۳۲۹۲۵



اشارات شقایق

دیوان وحشی بافقی

کمال الدین وحشی بافقی کرمانی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۷

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: چاپخانه غزال

۹۷۸-۹۶۴-۷۹۲۸-۷۸-۶ ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۲۸-۷۸-۶

تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه بهشت آئین - پلاک ۱۶

تلفن: ۶۶۴۰۳۲۹۹ - ۶۶۴۹۶۸۲۸ - فاکس: ۶۶۴۹۶۶۹۲

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

## استحسان

الهی سینہ ای تہ اشرفوز  
 بر آن دل کہ نیمی نیست دل نیست  
 دلم پر شعکہ گردان سپینہ پردود  
 کرمت کن درونی در د پردود  
 بہ سوزی وہ کلام را روا یے  
 دلم را داغ عشقی حبیبین نہ  
 سخن کہ از سوز دل تابانی نداد  
 دلی افسردہ دارم سخت بی نور  
 در آن سینہ ای آن دل ہمہ سوز  
 دل افسردہ غیر آب و گل نیست  
 ز بانم کن کفستن آتش آلود  
 دلی در وی درون درد و برون درد  
 کہ از آن گرمی کند آتش کدایی  
 ز بانم را بیانی آتشین دہ  
 چسکہ گر آب از او آبی نداد  
 چراغی را و بغایت روشنی دود

|                            |                              |
|----------------------------|------------------------------|
| فروزان کن پیراغ مرده ام را | بده گرمی دل افشوده ام را     |
| زلطفت پر تویی دارم گدایی   | نذار در راه من کرم روشنایی   |
| کجا فکر و کجا کنجینه راز   | اگر لطف تو نبود پر تو انداز  |
| نهاده خازن تو صد دین       | ز کنج راز در کنج سینه        |
| پشیزی کس نیابد از آن بهنج  | ولی لطف تو گر نبود به صد رنج |
| نمی خواهم که نویسم گداری   | چو در هر کنج صد کنجینه داری  |

بجز زلف

بواه این سید پیچ و پیچ

مرالطف تومی باید در پیچ

بجز زلف

## فهرست مطالب

|     |                                         |
|-----|-----------------------------------------|
| ۱۳  | ..... مقدمه                             |
| ۱۵  | ..... غزلیات                            |
| ۱۷  | ..... حرف الف                           |
| ۲۴  | ..... حرف ب                             |
| ۲۶  | ..... حرف ت                             |
| ۴۸  | ..... حرف د                             |
| ۸۱  | ..... حرف ر                             |
| ۸۲  | ..... حرف ز                             |
| ۸۴  | ..... حرف س                             |
| ۸۵  | ..... حرف ش                             |
| ۹۰  | ..... حرف ص                             |
| ۹۰  | ..... حرف ط                             |
| ۹۰  | ..... حرف ظ                             |
| ۹۱  | ..... حرف غ                             |
| ۹۱  | ..... حرف ف                             |
| ۹۲  | ..... حرف ق                             |
| ۹۲  | ..... حرف گ                             |
| ۹۲  | ..... حرف ل                             |
| ۹۳  | ..... حرف م                             |
| ۱۱۰ | ..... حرف ن                             |
| ۱۱۶ | ..... حرف و                             |
| ۱۲۱ | ..... حرف هـ                            |
| ۱۲۴ | ..... حرف ی                             |
| ۱۳۳ | ..... قصاید                             |
| ۱۳۵ | ..... در ستایش غیاث الدین محمد میرمیران |
| ۱۳۷ | ..... در ستایش پروردگار                 |
| ۱۳۹ | ..... در ستایش حضرت علی «ع»             |
| ۱۴۱ | ..... در ستایش میرمیران                 |

- در ستایش میر میران ..... ۱۴۳
- در ستایش میر میران ..... ۱۴۵
- در ستایش میر میران ..... ۱۴۷
- در ستایش امام دوازدهم «ع» ..... ۱۴۹
- در ستایش شاه تهماسب ..... ۱۵۱
- در ستایش میر میران ..... ۱۵۴
- در ستایش غیاث‌الدین محمد میر میران ..... ۱۵۷
- در ستایش غیاث‌الدین محمد میر میران ..... ۱۵۹
- در ستایش میر میران ..... ۱۶۱
- در ستایش شاه غیاث‌الدین محمد میر میران ..... ۱۶۳
- در ستایش غیاث‌الدین محمد میر میران ..... ۱۶۶
- در ستایش عبداللّه خان اعتمادالدوله ..... ۱۶۸
- (در ستایش میر میران) ..... ۱۷۲
- در ستایش میر میران ..... ۱۷۶
- در ستایش شاهزاده آزاده شاه خلیل‌الله ..... ۱۷۷
- در ستایش پیغمبر اکرم (ص) ..... ۱۷۹
- در ستایش حضرت علی (ع) ..... ۱۸۰
- در ستایش حضرت علی (ع) ..... ۱۸۳
- در ستایش امام هشتم (ع) ..... ۱۸۵
- در ستایش میر میران ..... ۱۸۶
- در ستایش میر میران ..... ۱۸۸
- در ستایش بکتاش بیگ ..... ۱۸۹
- در ستایش میر میران (شاه غیاث‌الدین محمد) ..... ۱۹۲
- در ستایش میر میران ..... ۱۹۵
- در ستایش حضرت علی (ع) (امیرالمؤمنین) ..... ۱۹۶
- در ستایش میر میران ..... ۱۹۸
- در ستایش بکتاش بیگ حکمران کرمان ..... ۲۰۰
- در ستایش حضرت علی (ع) ..... ۲۰۶
- در ستایش میر میران ..... ۲۰۷

|     |                                  |
|-----|----------------------------------|
| ۲۱۱ | در ستایش حضرت علی (ع)            |
| ۲۱۳ | در ستایش شاه تهماسب              |
| ۲۱۵ | قطعات                            |
| ۲۱۷ | در ستایش یکی از حاکمان دانشمندان |
| ۲۱۷ | بر تخت نشستن شاه اسمعیل          |
| ۲۱۷ | حروف شراب                        |
| ۲۱۸ | پناه جهان                        |
| ۲۱۸ | لطف کردید                        |
| ۲۱۸ | وحشی بی خانمان                   |
| ۲۱۸ | چیستان                           |
| ۲۱۹ | ده بافق                          |
| ۲۱۹ | ستور فقیر                        |
| ۲۱۹ | هجو هم خوب می توانم گفت          |
| ۲۱۹ | در خیال تو                       |
| ۲۲۰ | خر گدا                           |
| ۲۲۰ | تب شاهزاده                       |
| ۲۲۰ | سپهر مرتبه، بکتاش بیگ            |
| ۲۲۱ | موضع پاکان                       |
| ۲۲۲ | وجه برات                         |
| ۲۲۲ | استر گرسنه                       |
| ۲۲۲ | سرتاس                            |
| ۲۲۳ | مطبخ خواجه                       |
| ۲۲۳ | نشان بخردی                       |
| ۲۲۳ | استر بی علف                      |
| ۲۲۳ | در خیمه سوداگران                 |
| ۲۲۳ | عباس بیگ گردون قدر               |
| ۲۲۵ | به مفت نیز نیرزد                 |
| ۲۲۵ | ماه ناتمام                       |
| ۲۲۵ | یعنی کشک                         |

|     |                                         |
|-----|-----------------------------------------|
| ۲۲۵ | بر تخت نشستن شاه اسماعیل.....           |
| ۲۲۶ | داروی کاری .....                        |
| ۲۲۶ | وجه برات .....                          |
| ۲۲۶ | هجو شما می‌کنم.....                     |
| ۲۲۶ | فغان از ابروی پرچین .....               |
| ۲۲۶ | سر کل.....                              |
| ۲۲۷ | بزم تاریک .....                         |
| ۲۲۷ | غضنفر کُلیجاری .....                    |
| ۲۲۷ | مبارک باد .....                         |
| ۲۲۷ | هجو شراب .....                          |
| ۲۲۸ | مانده بابا .....                        |
| ۲۲۸ | دریغ (افول چراغ دودمان نعمت‌الله).....  |
| ۲۲۹ | دریغ از جان‌قلی.....                    |
| ۲۲۹ | وفاداری.....                            |
| ۲۲۹ | بنای بخت بنیاد .....                    |
| ۲۲۹ | هجو خواجه .....                         |
| ۲۳۰ | تاریخ عَلم .....                        |
| ۲۳۱ | ترکیب‌بندها.....                        |
| ۲۳۳ | شرح پریشانی .....                       |
| ۲۳۵ | گله یار دل‌آزار.....                    |
| ۲۳۹ | در ستایش میرمیران .....                 |
| ۲۴۱ | در ستایش شاه غیاث‌الدین و شهزادگان..... |
| ۲۴۴ | در هجو ملاقه‌می .....                   |
| ۲۴۷ | در سوگواری حضرت حسین «ع».....           |
| ۲۴۹ | در سوگواری قاسم بیگ قسمی .....          |
| ۲۵۵ | سوگواری بر مرگ دوست .....               |
| ۲۵۷ | سوگواری بر مرگ شاه.....                 |
| ۲۵۸ | سوگواری بر مرگ شرف‌الدین علی .....      |
| ۲۶۰ | سوگواری بر مرگ برادر .....              |

|     |                                            |
|-----|--------------------------------------------|
| ۲۶۳ | ترجیع‌بندها                                |
| ۲۷۱ | رباعیات                                    |
| ۲۸۱ | مثنویات                                    |
| ۲۸۳ | در گله‌گذاری و ستایش                       |
| ۲۹۳ | در ستایش ولی سلطان و بکتاش بیگ و قاسم بیگ  |
| ۲۹۷ | در ستایش کاخ میرمیران                      |
| ۲۹۹ | در تاریخ بنای گرمابه میرمیران              |
| ۳۰۰ | از نامه‌ پر سوز و گدازی که شاعری شوریده دل |
| ۳۰۲ | در هجو کیدی (یاری) شاعر نما                |
| ۳۰۶ | در هجو کیدی                                |
| ۳۰۹ | خُلدبرین                                   |
| ۳۱۱ | آغاز سخن                                   |
| ۳۱۳ | در سپاسگذاری                               |
| ۳۳۷ | ناظر و منظور                               |
| ۳۳۹ | در توحید                                   |
| ۴۰۵ | فرهاد و شیرین                              |
| ۴۰۷ | در ستایش پروردگار                          |
| ۴۰۹ | در راز و نیاز با خداوندگار                 |
| ۴۱۲ | در ستایش حضرت پیغمبر «ص»                   |
| ۴۱۵ | در وصف شب معراج                            |
| ۴۱۷ | در ستایش حضرت «علی»                        |
| ۴۱۹ | گفتار در آرایش و نکویی سخن                 |
| ۴۲۱ | حکایت                                      |
| ۴۲۲ | در نکویی خموشی و عشق                       |
| ۴۲۴ | گفتار در چگونگی عشق                        |
| ۴۲۵ | حکایت                                      |
| ۴۲۵ | گفتار در استقامت شدائد عشق                 |
| ۴۲۷ | حکایت                                      |
| ۴۲۷ | در ستایش عشق و تعبیر آن به اکسیر حقیقت     |

|     |                                                            |
|-----|------------------------------------------------------------|
| ۴۲۸ | ..... حکایت                                                |
| ۴۲۹ | ..... گفتار در جلوه عشق و حسن مهر و یان و نیاز عشاق.       |
| ۴۳۱ | ..... گفتار در مراتب ذوق هر کس و اختلاف طبایع.             |
| ۴۳۲ | ..... آغاز داستان و چگونگی عشق.                            |
| ۴۳۴ | ..... گفتار در طلب کردن شیرین یکی از محرمات.....           |
| ۴۳۵ | ..... در رفتار خادمان شیرین به طلب نزهتگاه.....            |
| ۴۳۷ | ..... حکایت                                                |
| ۴۳۸ | ..... گفتار در بیرون آمد شیرین از مشکوی خسرو.              |
| ۴۴۰ | ..... گفتار اندر طلب نمودن شیرین استادان پر هنر.....       |
| ۴۴۲ | ..... گفتار اندر گفت و شنید غلامان شیرین با فرهاد.....     |
| ۴۴۷ | ..... گفتار آوردن خادمان شیرین فرهاد را.....               |
| ۴۴۹ | ..... گفتار اندر دلربایی شیرین از فرهاد مسکین.....         |
| ۴۵۴ | ..... وصال شیرازی                                          |
| ۴۵۴ | ..... در ستایش عشق                                         |
| ۴۵۵ | ..... گرفتاری فرهاد به کمند عشق شیرین                      |
| ۴۵۸ | ..... گفتگوی شیرین با فرهاد و تعریف کوه بیستون.....        |
| ۴۶۰ | ..... جواب گفتگوی شیرین و قبول نمودن فرهاد.....            |
| ۴۶۱ | ..... توصیف مرغزاری که شیرین در آنجا.....                  |
| ۴۶۳ | ..... در پند دادن دایه به شیرین و دلداری از نازنین.....    |
| ۴۶۵ | ..... چگونگی عشق و آغاز کردن بیستون به نیروی محبت.....     |
| ۴۶۸ | ..... در افزونی محبت فرهاد و شور عشق او در فراق شیرین..... |
| ۴۷۰ | ..... در اظهار نمودن شیرین محبت خویش را.....               |
| ۴۷۴ | ..... در حکایت گفتگوی آن بی خبر از مقامات.....             |
| ۴۷۶ | ..... در رفتن شیرین به کوه بیستون و.....                   |
| ۴۸۱ | ..... در ستایش پنهان نمودن راز نهانی.....                  |
| ۴۸۷ | ..... در توصیف دشتی که رشک گلزار بهشت بود و.....           |
| ۴۹۱ | ..... در نوشتن شیرین جواب خسرو را و.....                   |
| ۴۹۶ | ..... در بیان وصل و هجران نکویان و.....                    |
| ۵۰۶ | ..... صابری شیرازی                                         |

|     |                                             |
|-----|---------------------------------------------|
| ۵۰۷ | پاسخ دادن شیرین فرهاد را.....               |
| ۵۱۰ | نازل شدن شیرین به دلجویی فرهاد.....         |
| ۵۱۱ | غزل خواندن فرهاد .....                      |
| ۵۱۲ | پاسخ دادن شیرین پرستاران را .....           |
| ۵۱۴ | در بیان مصاحبت شیرین با فرهاد در آن شب..... |
| ۵۱۵ | امتحان کردن شیرین فرهاد را در عشق.....      |

www.ketab.ir

مولانا وحشی بافقی در سال ۹۳۹ هجری قمری در بافق (ناحیه‌ای میان یزد و کرمان) چشم به جهان گشود. نام کامل وی در برخی از منابع مولانا کمال‌الدین محمد و در برخی دیگر مولانا شمس‌الدین محمد ذکر شده است.

در کودکی تحت تعلیمات برادر بزرگترش مرادی بافقی، که خود از شاعران زمان بود، قرار گرفت و بعد از فوت برادر، شرف‌الدین علی بافقی آموزش وی را به عهده گرفت. وحشی پس از آموختن مقدمات ادب از بافق به یزد و سپس به کاشان رفت و مدتی در آن شهر به مکتب‌داری مشغول بود و با شاعران آن دیار، از جمله محتشم، ضمیری، فهمی، شجاع و غضنفر گلجاری مباحثه می‌کرد، تا جایی که سرانجام کار به هجوگویی کشید و ناچار شد به یزد برود و تا آخر عمر در آنجا زندگی کند.

وحشی در دوران زندگی خود به مداحی فرمانروایانی از جمله شاه تهماسب و عبدالله خان اعتمادالدوله صدراعظم و نواب محمد ولی سلطان حکمران کرمان و برادرش عباس‌بیک و پسرش بکتاش‌بیک و نیز اولاد شاه ولی و میرمیران یزدی و شاه نورالدین نعمت‌الله پرداخت. شاه نورالدین نعمت‌الله باقی شوهر خواهر شاه تهماسب از حکمرانان یزد بود و پس از او، فرزندش امیر غیاث‌الدین محمد میرمیران صاحب مقام پدر شد و ظاهراً وحشی مدایح بسیاری به نام این پدر و پسر سروده و در اواخر عمر که در یزد به سر می‌برده از توجه خاص این خاندان بهره‌مند بوده است.

در بعضی از کتب آمده که دوره زندگی وحشی مصادف با پادشاهی شاه تهماسب دوم بوده، البته دلیل این مدعا آن است که اشعار زیادی در مدح آن پادشاه دارد، اما با توجه

به تاریخ تولد و وفات وی، این ادعا درست به نظر نمی‌رسد.

وحشی از شعرای زبردست قرن دهم است که اشعاری بسیار ساده و مؤثر دارد. او در انواع شعرا قصیده، غزل و قطعه و رباعی و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و مثنوی طبع آزمایی کرده و از همه آنها کام و بیش موفق بیرون آمده است. به اعتقاد بسیاری، غزلهایش بیشتر به روش فغانی شیرازی سروده شده‌اند.

در برخی از منابع کلیات وی، مشتمل بر ۹۰۰۰ بیت ذکر شده است.

علاوه بر دیوان (غزلیات، قصاید، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، قطعات و رباعیات) که تقریباً شامل ۵۳۰۰ بیت است، سه مثنوی نیز از او به جا مانده:

«ناظر و منظور»؛ شامل ۱۵۶۹ بیت که بر وزن خسرو و شیرین نظامی گنجوی سروده شده است.

«خلدبرین»؛ شامل ۵۹۲ بیت و بر وزن مخزن‌الاسرار نظامی سروده شده است.

«شیرین و فرهاد» یا فرهاد و شیرین؛ که وحشی ۹۶۲ بیت آن را سروده و با فرا رسیدن مرگش نیمه‌تمام مانده است، اما وصال شیرازی شاعر توانای قرن سیزدهم آن را استادانه به پایان رساند و این مجموعه با ۱۰۷۰ بیت کامل شد.

وحشی بی‌تردید از بزرگترین شاعران عهد صفوی است که به سبب سبک خاص خود، در سخنوری اهمیت دارد. ارزش او در این است که مضامین ظریف را به زبانی ساده بیان می‌کند و گاه چنان است که گویی به زبان روزمره سخن می‌گوید. در شعر او کمتر اثری از واژه‌های دشوار و ترکیب‌های ناهموار عربی به چشم می‌خورد.

وحشی در سال ۹۹۱ ه.ق از دنیا رفت و او را در کوی سر برج یزد در جوار مزار شاهزاده فاضل، برادر امام‌رضا(ع) به خاک سپردند.